

در بیستم اردیبهشت ماه امسال کنگره تمدن و فرهنگ کوشان در شهر کابل منعقد شد و در آن یازده دولت: ایران، افغانستان، شوروی، پاکستان، هند، ژاپن، فرانسه، ایتالیا، انگلستان، آمریکا و یونسکو شرکت جستند. هیأت رئیسه سمینار عبارت بودند از آقایان پروفیسور عبدالحی حبیبی از افغانستان، پروفیسور رولن از هاروارد آمریکا، پروفیسور عاصیموف رئیس فرهنگستان تاجیکستان، میراچینکوف، از یونسکو، پروفیسور برنارد از فرانسه و دکتر شاه حسینی از ایران.

جلسات سمینار چهار روز بطول انجامید و در آن سخن‌های بسیار ارزنده در زمینه تمدن و فرهنگ کوشان گفته آمد، که در آن میان مطالب پر ارزش آقای پروفیسور حبیبی و پروفیسور برنارد و پروفیسور فوسمن فرانسوی و پروفیسور رولن و میراچینکوف و نماینده یونسکو و سخن آقای دکتر شاه حسینی رنگ و بهایی داشت. مجله هنر و مردم سعی خواهد کرد از این پس این سلسله مطالب را چاپ نماید تا خوانندگان علاقه‌مند از آن سخن‌های ارزنده و سودمند بی بهره نمانند.

تمدن کوشانی

دکتر شاه حسینی

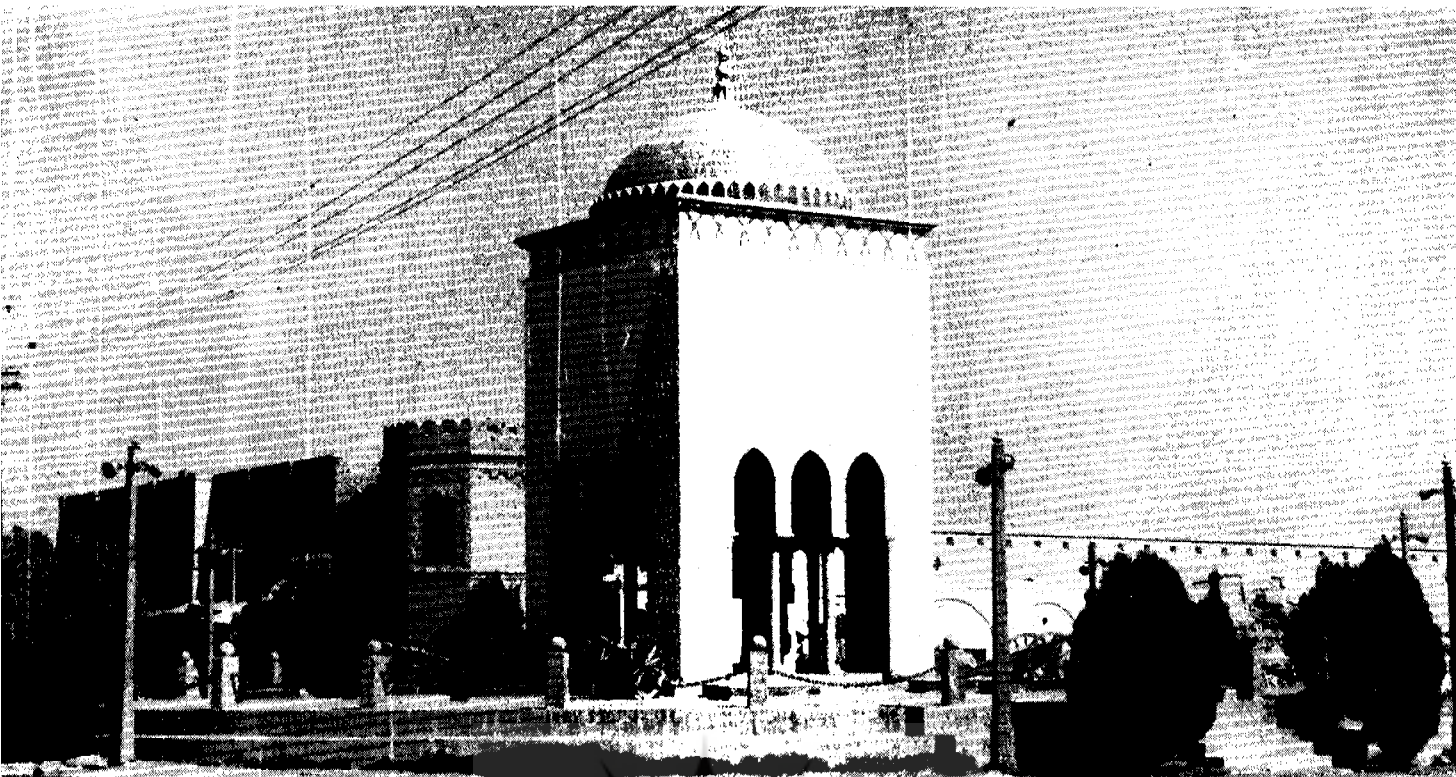
ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اسلامی این نام بصورت کوشان آمده است چنانکه یاقوت حموی در مجمع‌البلدان از شهری به نام کوشان نام برده و آنرا در اقصای کشور ترك دانسته است^۱ و کشائیه بفتح اول که یاقوت آنرا در نواحی سمرقند و شمال درهٔ سغد قرار داده بی‌شک همان جایگاهی است که تمدن کوشان در آن رونقی گرفته است.^۲

یاقوت دگر باره نیز در ضمن شهرهای سغد از کشائیه یاد کرده است.^۳

یعقوبی از آن بنام کشائیه بضم اول یاد کرده و آنرا از شهرهای سغد دانسته است و این خرد داده نیز در المسالك والممالك کشائیه را از شهرهای سمرقند محسوب داشته است^۴ و اصطخری نیز آنرا کشائیه ذکر کرده و گوید از کشائیه تا ربنجن دو فرسنگ است. مقدسی ناحیه کشانی را در شمار سرزمین هیتالها دانسته

کوشانیان که در لهجه اقوام گوناگونی که از ایشان یادی کرده‌اند و یا خواندنیهای متفاوتی که از مسکوکات و کتیبه‌های بازماندهٔ ایشان شده است، بصورت‌های، کوشانا - کپوشانا - کیوشانا - کیورشانا که نمایندهٔ لهجه‌های آریائی است و کورسنو، کورونو، کورانو، کورسانو، خورانو، خوران که نمایندهٔ تلفظ یونانی آنست از قوم تخار بوده‌اند که از قرن اول قبل از میلاد تا سدهٔ چهارم میلادی در مشرق فلات ایران در خطه‌های سغد تا افغانستان شرقی و ماوراءالنهر و هندوستان غربی فرمانروائی داشتند. برخی کوشی را مفرد و جمع آنرا کوشانو و کوشانا دانسته‌اند که جایگاه کوشی‌ها خوانده می‌شده است. و این نام کلیه طوایفی بود که فرمانروای طایفه کوشی ایشانرا مطیع خود ساخته و بر آنها حکومت میکرد. در کتابهای تاریخی و جغرافیائی



میدان تاریخی قندهار .

«تاهیا» ساکنان قدیم شمال افغانستان آمیزش نمودند به اسم کوشان معروف شدند .

کنو^۸ مینویسد از قرار معلوم چینی‌ها پوچی‌ها را تقریباً در نیمه دوم قرن سوم ق . م می‌شناختند. در کتاب تسین‌هان شویی تاریخ اولین شاهان سلاله «هان» آمده است که در تاهیه پنج شهر است و هر یک را امیری اداره میکند و همه آنها تابع پوچی‌های بزرگ‌اند . و از آن پنج‌خطه چینی یاد میکند: «هیومی» پایتخت آن هومو ، «شوانگ می» پایتخت آن ، «شوانگ می» «کوئی - شیوانگ» پایتخت آن هوتسا ، «هیتون» پایتخت آن پوماو ، «کائوفو» پایتخت آن کائوفو - که بعقیده

و آنرا یکی از روستاهای دوازده گانه سمرقند محسوب میدارند^۹ و ابن‌حوقل از کشانیه چنین یاد میکند: کشانیه آبادترین شهرهای سغد است و حدود العالم نیز همین تعبیر را در باره این ناحیه دارد^۷. و ابن‌الائیر در اللباب فی تهذیب الانساب گوید: کشانی به ضم اول نسبتی به کشانیه است و آن شهری از شهرهای سغد در نواحی سمرقند است. آنچه که از کتب اسلامی درباره کوشان و کشانیه و کوشانی یاد آور شدیم از مقاله بسیار ممتنع دوست دانشمند آقای دکتر مشکور بود که در مجله دانشکده ادبیات شماره اول و دوم سال هفدهم آمده بود . اما درباره ژاد کوشانیان باید گفت که ایشان مانند سکائیان آریائی نژادند و شرقی‌ترین شاخه آن محسوب میشوند که از سرزمین اولیه آریائی به مناطق ماورای شرقی آن و آسیای مرکزی منتشر شده‌اند و از حدود رود ایل و تارم به منطقه سیردریا و از آنجا به ناحیه اکسوس آمدند .

بعضی از مورخان نام کوشانو را با کلمه چینی پوئچی که قومی نیمه وحشی در آسیای میانه بوده‌اند یکی دانسته‌اند . و گویند آنان تا زمانیکه در شمال آمودریا بودند به نام پوچی خوانده میشدند و پس از آنکه از آمودریا عبور کردند و با

- ۱ - معجم البلدان چاپ عکس - ج ۴ - ص ۳۲ .
- ۲ - معجم البلدان ج ۳ - ص ۹۵ و ص ۳۹۴ و ج ۱ - ص ۲۵۲ و ج ۱ - ص ۲۶۵ .
- ۳ - کتاب البلدان - ص ۲۹۳ .
- ۴ - المسالك والممالك - ص ۲۶ .
- ۵ - احسن التقاسیم - ص ۲۱۹ .
- ۶ - صورة الارض - ج ۲ - ص ۵۰۰ و ۵۰۱ .
- ۷ - حدود العالم - ص ۱۰۷ - چاپ دانشگاه تهران .
- ۸ - تاریخ افغانستان کهزاد - ص ۱۷۸ .



بالاحصار کابل .

مشکلات انسانی و مالیات فریبی

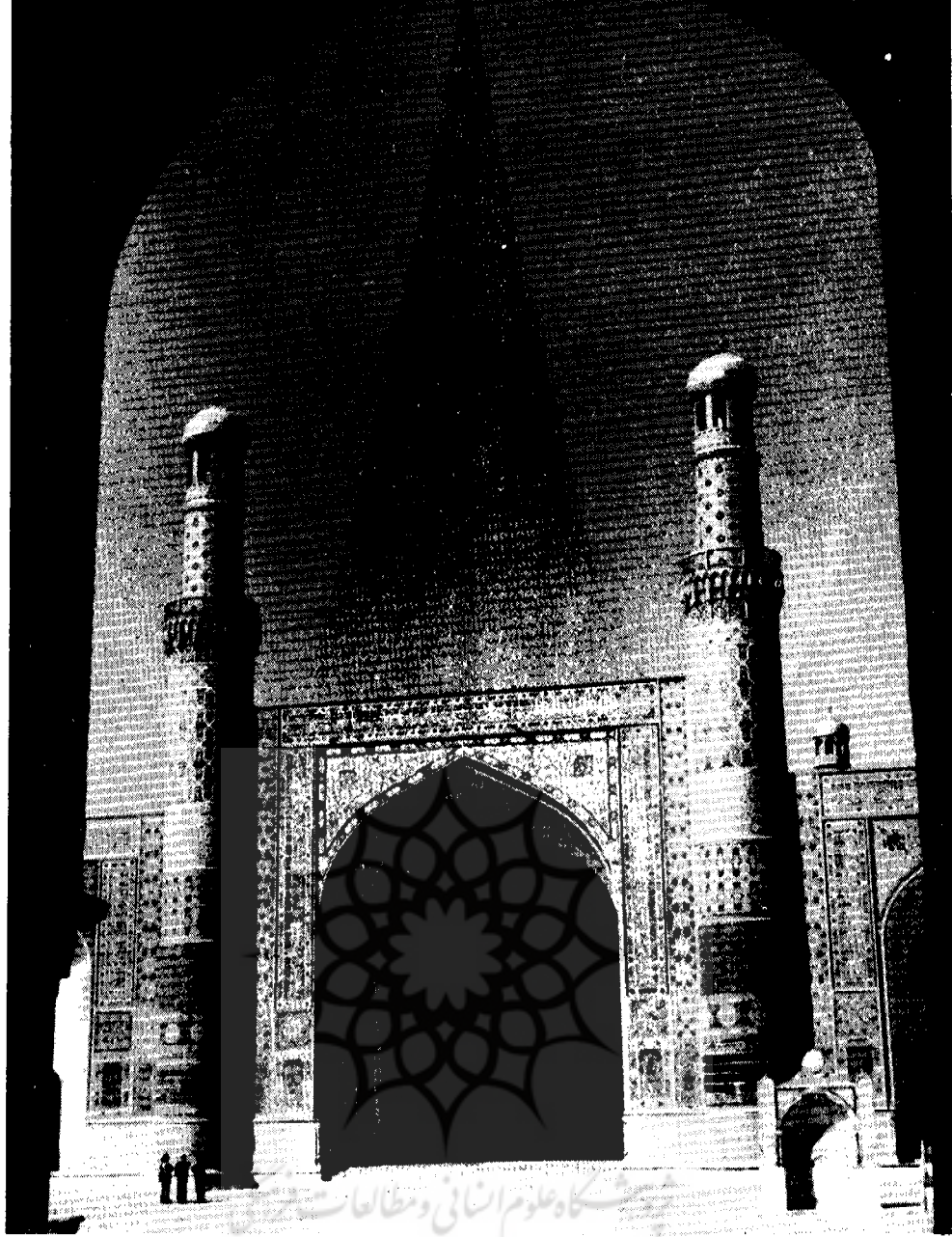
نائل آمد .
دوره کوشانیان را سه عهد : کوشانیان بزرگ ،
کوشانیان خرد یا کیداری‌ها و بازماندگان کوشانیان خرد رتبیل
شاهان تقسیم کرده‌اند .

شاید بتوان گفت که دوره کوشانیان بزرگ با دوره نخستین
قرن اول میلادی برابر است و کوشانیهای خرد یا کیداری‌ها
در حدود قرن چهارم میلادی حکومت داشته‌اند .

واسودوا آخرین پادشاه کوشان بزرگ حکومتش بدست
شاپور اول ساسانی در ۲۲۰ میلادی منقرض شد و از آن پس
حکومت کوشانی بدست هپتالنتها و ساسانیان افتاد و میان ایشان
تقسیم شد . نکته دیگر آنکه ساسانیان فرمانروایان مشرق ایران
را بمناسبت آنکه سابقاً کوشانیان در آن نواحی حکومت داشتند،
کوشان شاه میخواندند. فیروز برادرشاپور اول لقب کوشان‌شاه
داشت . در میان شاهان ساسانی شاپور اول و هرمزد اول و بهرام

مستشرقان این نواحی عبارتند از واخان - بدخشان - باکتریان -
نورستان - پروان - کابل . باید دانست کوئی - شیوانگ
همان کوشان فارسی دری است .

دریک اثر دیگر چینی «هوهان - شو» آمده است که صد
سال بعد (مشخص نیست که صد سال بعد از ورود پوچی‌ها در
ناحیه تاهیه یا صد سال پس از تقسیم شدن آنها) «امیر یکی
از نواحی پنجگانه کوی «شانگ‌هی‌هو» یعنی حاکم کوشانی‌ها
موسوم به کیوتسیو - کیو (Kieu - tsiu - kieu) چهار امیر
دیگر را مطیع خود ساخت و برخویش نام شاهی نهاد و اسم
پادشاهی را کوی شوانگ یعنی کوشان نهاد و از این پس کلمه
پوچی نام کوشانی گرفت و نیز در منابع چینی آمده است که
کوزولو نخستین شاه کوشان بود و اوست که کابل را از گندو
فارس شاه آن ناحیه گرفت و بمدد وی نفوذ کوشان در افغانستان
اشاعه یافت و فرزندش دیما کوفینرس در سرزمین هند به فتوحاتی



مسجد جامع هرات .

خسرو باز زد . خسرو پرویز یکی از سرداران خود موسوم به سمبات باگراتونی را که از ارامنه بود مأمور دفع وی نمود و سمبات فتنه پادشاه کوشان را دفع کرد و قسمتی از شمال غربی هندوستان را ضمیمه شاهنشاهی ایران نمود. وجود سکه‌های خسرو پرویز در این نواحی شاهد این مدعاست و اما کوشانیان خرد که آنانرا رتبیل میگفتند و بر زابلستان و رنج و گاهی کابل حکومت داشتند سرانجام در ۲۵۸ هجری بدست یعقوب برافتادند و حکومت ایشان ضمیمه خاکمؤسس سلسله صفاری شد. ناتمام

اول و بهرام دوم پیش از جلوس به تخت سلطنت حکومت خراسان و پادشاهی کوشان داشتند. در زمان خسرو پرویز و یستنه برادر مادر وی که در خراسان حکومت میکرد، دوتن از پادشاهان کوشانی را که شاوگ Shavagh و پاریوگ Paryogh نام داشتند بفرمان خویش آورده و سر بر طغیان برداشته بود. خسرو پرویز چون این خبر را بشنید بیمناک شد لشکری آماده نبرد کرد و سرانجام و یستنه مغلوب شد و سرزمین وی جزء خاک ایران گردید . در همین ایام یکی از احفاد هپتالیان که تابع خاقان ترک بود و در کوشان حکومت میکرد سر از اطاعت